



صنایع روستایی و اشتغال جوانان روستایی

نوید سعیدی رضوانی

مقدمه

توسعه صنایع روستایی، یکی از راه‌حلهای ایجاد اشتغال، به ویژه برای جوانان روستایی، به شمار می‌رود که در سالهای اخیر، مورد توجه زیادی قرار گرفته است. در یک نگرش کلی می‌توان این صنایع را به دو گروه تقسیم کرد:

۱- صنایع دستی و سنتی روستایی

این صنایع، غالباً به صورت فعالیتهای صنعتی خانگی با روش تولید سنتی از دیرباز در روستاهای کشور وجود داشته و عمدتاً برای رفع نیازهای روزمره روستاییان بوده است. محصولات این فعالیت صنعتی گاهی و نه همیشه به بازار عرضه می‌شود. ویژگی اصلی این فعالیتهای دستی بودن و سنتی بودن روشهای تولید آنها می‌باشد. نمونه‌هایی از این فعالیتهای که بیشتر در مناطق روستایی ایران وجود دارند عبارتند از: گلیم‌بافی، قالی‌بافی، کوزه‌گری، پارچه‌بافی و حصیربافی^۱.

این صنایع خود به صنایع دستی خانگی و صنایع دستی کارگاهی تقسیم می‌شوند. این نوع صنعت، نیاز به تکنولوژی پیشرفته و پیچیده‌ای ندارد و متکی به تخصصهای بومی و سنتی است.^۲

۲- صنایع کارخانه‌ای روستایی

این صنایع غالباً به علت وجود مواد اولیه کانی یا کشاورزی جهت عمل‌آوری و تبدیل آنها به محصولات صنعتی در یک منطقه روستایی احداث می‌شوند، این کارگاهها علاوه بر تأمین احتیاجات روستاها محصولات خود را به مناطق همجوار و بازارهای شهری نیز عرضه می‌کنند.^۳

اغلب صنایع کارخانه‌ای روستایی را صنایع تبدیلی تشکیل می‌دهد. این صنایع، تبدیلی محصولات دامپروری و کشاورزی تقسیم می‌شوند. در واقع محصولات هریک از بخشهای کشاورزی و دامپروری به عنوان مواد اولیه در این صنعت به کار برده می‌شوند. صنایع قند و شکر، روغن‌کشی، کمپوت‌سازی، رب، صنعت پنیرسازی، جرم‌سازی، صنعت نساجی و صنعت چوب جزء این گروه از صنایع روستایی قرار می‌گیرند. با رشد هریک از این صنایع، صنایع روستایی دیگری در کنار این صنایع بوجود می‌آید مانند صنایع نگهداری (سردخانه و نظایر آن)، صنایع انبارداری و صنایع بسته‌بندی.

در کنار صنایع تبدیلی روستایی، صناعی تحت عنوان صنایع تولیدی زنجیره‌ای، وجود دارند که هدفشان انتقال محصولات نیمه تمام به مناطق شهری به منظور تکمیل فرآیند تولید می‌باشد. در واقع در این تولید زنجیره‌ای، صنایع کوچک روستایی از تکنولوژی ساده‌ای که از سرمایه کمی استفاده

می‌کند، بهره می‌برند و بعد از انجام عملیاتی بر روی محصولات کشاورزی و دامی آنها را به صورت نیمه تمام به مناطق شهری صادر می‌کنند تا با استفاده از تکنولوژی سرمایه‌بر، فرآیند تولید تکمیل شود.^۴

۳- اهداف ایجاد صنایع روستایی

توسعه صنایع روستایی با توجه به اهداف زیر انجام می‌شود:

- ۱- افزایش فرصتهای شغلی بویژه برای جوانان روستایی
 - ۲- جلوگیری از مهاجرت
 - ۳- توزیع عادلانه تر درآمد
 - ۴- استفاده بهینه از منابع موجود در مناطق روستایی
 - ۵- شکوفایی استعدادها و خلاقیتهای روستاییان
 - ۶- کاهش بیکاریهای دوره‌ای فصلی
- البته این اهداف، هدفهای اصلی توسعه صنایع روستایی می‌باشد و ممکن است، هدفهای دیگری نیز در نظر برنامه‌ریزان باشد. یا اینکه هدف خاصی بیشتر مورد تأکید قرار گیرد به عنوان مثال:
- در صنایع روستایی معمولاً از تکنولوژی کاربر استفاده می‌شود، به این دلیل جوانان فاقد مهارت روستایی، به راحتی جذب این مشاغل می‌شوند. در حقیقت اغلب کارکنان کارگاههای صنایع روستایی را کارگران جوان ساده‌ای تشکیل می‌دهند که قبلاً از وضعیت شغلی ثابتی برخوردار نبوده‌اند. بنابراین در

واحد، مؤسسات صنعتی با ۰/۸۹ واحد، مؤسسات سیاسی اداری و انتظامی با ۰/۷ واحد و مؤسسات مخابراتی و ارتباطی با ۰/۴۶ واحد وجود دارد.

۲- در مجموع در هر روستا ۱۱۵/۴ نفر در مؤسسات، واحدهای اقتصادی فوق‌الذکر شاغل می‌باشند. بیشترین تعداد فرصتهای شغلی توسط مؤسسات صنعتی بوجود آمده که هر مؤسسه صنعتی به طور متوسط، ۱۱ فرصت شغلی برای اهالی آبادی به وجود آورده است. در مرتبه بعدی کارگاههای تولیدی قرار دارند که هر یک به طور متوسط ۹/۱۲ فرصت شغلی پدید آورده‌اند. و در مراتب بعد، به ترتیب مؤسسات آموزشی و فرهنگی با ۸/۴۱ فرصت شغلی، مؤسسات سیاسی، اداری و انتظامی با ۸ فرصت شغلی، مؤسسات مخابراتی و ارتباطی با ۳ فرصت شغلی، مؤسسات بهداشتی و درمانی با ۲/۲۶ فرصت شغلی، مؤسسات بازرگانی و خدماتی با ۱/۸ فرصت شغلی و کارگاههای صنایع دستی با ۱/۷۶ فرصت شغلی قرار دارند.

ملاحظه می‌شود که کمترین تعداد فرصتهای شغلی توسط کارگاههای صنایع دستی ایجاد شده است، اما به دلیل تعداد زیاد این کارگاهها، در مجموع در هر روستا ۳۳ نفر در این کارگاهها مشغول به کار هستند که ۲۸/۵ درصد کل کارکنان مؤسسات و واحدهای اقتصادی روستا را شامل می‌شود. در مرتبه بعدی کارگاههای تولیدی قرار دارند؛ در هر روستا ۲۴/۱ نفر (۲۰/۸ درصد) از کل کارکنان در این کارگاهها به فعالیت مشغول می‌باشند. واحدهای صنعتی با ۹/۸ نفر، واحدهای سیاسی، اداری و انتظامی با ۵/۶ نفر، واحدهای بهداشتی و درمانی با ۳/۷۲ نفر، واحدهای مخابراتی و ارتباطی با ۱/۳۸ نفر شاغل در مراتب بعدی قرار دارند.

۳- در مجموع در هر روستا، ۵۹/۳ جوان ۲۴-۱۵ سال در مؤسسات روستا، مشغول به کار هستند که ۵۱/۴ درصد کل کارکنان را تشکیل می‌دهند. بیشترین نسبت کارکنان جوان در مؤسسات سیاسی، اداری و انتظامی مشاهده می‌شود، در این مؤسسات ۷۵ درصد کل کارکنان را جوانان تشکیل می‌دهند. در مرتبه بعد مؤسسات بازرگانی و خدماتی قرار دارند که ۶۵ درصد کارکنان آنها را جوانان تشکیل

نقش جوانان روستایی در این بخش اقتصادی را مورد بررسی قرار می‌دهیم و متعاقب آن به برخی از مشکلات موجود و راه‌حلهای آن اشاره می‌کنیم.

■ فرصتهای شغلی بوجود آمده توسط صنایع روستایی برای جوانان روستایی

همانطورکه در مقاله پیشین ذکر شد در طرح بررسی وضعیت اشتغال جوانان روستایی ۲۸ روستا در ۶ استان مورد بررسی قرار گرفت.

برای شناخت بهتر میزان فعالیت جوانان روستایی در بخش صنایع روستایی، مؤسسات و واحدهای اقتصادی روستاهای مورد بررسی به ۸ واحد به شرح زیر تقسیم شد:

- ۱- واحدهای بازرگانی، خدماتی
- ۲- واحدهای بهداشتی و درمانی
- ۳- واحدهای آموزشی و فرهنگی
- ۴- کارگاههای تولیدی
- ۵- مؤسسات صنعتی
- ۶- واحدهای سیاسی، اداری و انتظامی
- ۷- واحدهای مخابراتی و ارتباطی
- ۸- کارگاههای صنایع دستی

بخش صنایع روستایی در برگیرنده کارگاههای تولیدی، مؤسسات صنعتی (کارگاههای تولیدی که بیش از ۱۰ کارکن دارند) و کارگاههای صنایع دستی می‌گردد.

در اینجا به مقایسه ویژگیهای این مؤسسات و واحدهای اقتصادی، از لحاظ فرصتهای شغلی که ایجاد کرده‌اند می‌پردازیم.

۱- در هر روستا به طور متوسط ۳۶/۹ مؤسسه و واحد اقتصادی وجود دارد. که ۵۰/۸ درصد از آنها را کارگاههای صنایع دستی تشکیل می‌دهد. هر روستا به طور متوسط ۱۸/۷۵ کارگاه صنایع دستی دارد. در مرتبه بعدی مؤسسات بازرگانی و خدماتی قرار دارد. در هر روستا ۹/۳ مؤسسه بازرگانی و خدماتی وجود دارد که ۲۵/۲ درصد مؤسسات آبادی را شامل می‌شود. در مراتب بعدی به ترتیب کارگاههای تولیدی با ۲/۶۴ واحد، مؤسسات آموزشی و فرهنگی با ۲/۵۳ واحد مؤسسات بهداشتی و درمانی با ۱/۶۴

توسعه صنایع روستایی افزایش فرصتهای شغلی برای جوانان مورد تاکید بیشتری قرار می‌گیرند.

در مورد هدف افزایش درآمدها صنایع روستایی به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم موجب افزایش درآمد روستاییان می‌گردند. افزایش مستقیم درآمد، بر اثر پرداخت دستمزد، به کارگران شاغل در واحدهای کوچک صنعتی روستا حاصل می‌آید، به عبارت دیگر بخشی از ارزش افزوده ناشی از فعالیت تولیدی کارگاه، در بین کارگران توزیع می‌گردد، از سوی دیگر اگر مالکین کارگاههای صنعتی نیز روستایی باشند، بخش دیگری از ارزش افزوده نصیب روستاییان می‌شود. افزایش غیرمستقیم درآمد، از طریق کاهش هزینه‌های روستاییان، به دلیل تولید برخی از محصولات مورد نیاز آنها در روستا حاصل می‌شود. می‌دانیم که اغلب صنایع روستایی صنایع کاربری هستند که به تولید محصولات کاربر، نظیر مواد غذایی، پوشاک و کفش می‌پردازند. این محصولات در سبد هزینه خانوار روستایی دارای سهم عمده‌ای می‌باشند. به عبارت دیگر، بیشتر هزینه خانوارهای روستایی به این اقلام اختصاص می‌یابد. لذا تولید این محصولات در محل روستا و عرضه آنها در همان محل، باعث می‌شود که هزینه خانوارهای روستایی کاهش یابد.

بنابراین صنایع روستایی می‌تواند، موجب تحولات گوناگونی در اقتصاد روستا گردد، و دارای اثرات مثبت چند جانبه‌ای باشد، پس اشتغال جوانان روستایی در این بخش از اقتصاد روستایی، پراهمیت و نیازمند بررسی است.

این مقاله براساس اطلاعاتی که در طرح بررسی وضعیت اشتغال جوانان روستایی و نیز در تحقیق مشابهی که در سازمان جهادسازندگی استان خراسان، انجام شده، گرد آمده است. تأثیر عملی توسعه صنایع روستایی بر ایجاد اشتغال برای جوانان روستایی و

فعالیت‌های آموزشی و اداری بر ایجاد اشتغال بلندمدت است و چون در کوتاه مدت ارزش افزوده محسوسی، توسط این واحدها، بوجود نمی‌آید، نمی‌تواند منجر به افزایش فرصتهای شغلی گردد.

■ همبستگی بین جمعیت و تعداد مؤسسات روستا و نقش مؤسسات تولیدی در ایجاد این همبستگی

ارتباط بین جمعیت و تعداد مؤسسات روستا، مثبت و معنی‌دار است و به عبارت دیگر هرچه بر تعداد مؤسسات روستا افزوده می‌شود، جمعیت روستا نیز افزایش می‌یابد. این امر به ویژه در مورد مؤسسات تولیدی و اشتغال‌زا مصداق دارد. با تأسیس هرکارگاه تولیدی، تعدادی از جوانان کار به شغلی دائمی و مولد دست پیدا می‌کنند و در نتیجه تصمیم به ماندن در روستا می‌گیرند، از سوی دیگر افزایش مؤسسات تولیدی، موجب جذب مهاجر به روستا نیز می‌شود. همچنین افزایش جمعیت نیز موجب افزایش مؤسسات روستا بویژه مؤسسات خدماتی می‌شود، زیرا استقرار جمعیت مستلزم ارائه خدمات می‌باشد. اگر بخواهیم از اصطلاحات اقتصادی استفاده کنیم، باید به تفکیک مشاغل پرداخته، به مشاغل پایه و تبعی اشاره کنیم.

مشاغل پایه: مشاغل اصلی مجتمع زیستی است که منجر به تولید کالا می‌شود و سهم عمده صادرات مجتمع زیستی را تشکیل می‌دهد.

مشاغل تبعی: مشاغلی است که برای خدمات رسانی به ساکنان مجتمع زیستی توسعه می‌یابد. به عنوان مثال مؤسسات بازرگانی و تجاری روستا، جزء مشاغل تبعی محسوب می‌شوند و طبیعی است که هرچه جمعیت بیشتر شود، این مشاغل نیز افزایش می‌یابد. بنابراین ارتباط متقابلی بین تعداد جمعیت و تعداد مؤسسات روستا وجود دارد. شدت این همبستگی که به وسیله ضریب "R پیرسون" محاسبه شده ۰/۶۵ می‌باشد که حکایت از همبستگی نسبتاً قوی بین جمعیت و تعداد مؤسسات روستا دارد. این همبستگی در سطح ۰/۱ درصد معنی‌دار است.

نتایج تحقیق انجام شده که در مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی جهادسازندگی خراسان تحت عنوان اثرات اقتصادی و اجتماعی صنایع کوچک روستایی انجام گرفته است، (در ۱۶ روستا، ۲۵

گرفت که به ازاء هر ۹/۵ خانوار، یک کارگاه صنایع دستی ایجاد شده است.

۳. مؤسسات صنعتی و کارگاههای تولید نسبت به سایر مؤسسات روستا، فرصتهای شغلی بیشتری پدید آورده‌اند. اما تعداد این واحدها اندک است. به این دلیل واحدهای فوق نتوانسته‌اند، فرصتهای شغلی زیادی را پدید آورند.

۴. فرصتهای شغلی ایجاد شده توسط برخی از مؤسسات روستا، مانند مؤسسات آموزشی، فرهنگی و مؤسسات سیاسی، اداری و انتظامی در نهایت با محدودیت مواجه خواهد شد، به عنوان مثال یک روستای پرجمعیت، حداکثر به یک پاسگاه انتظامی یا چند مؤسسه آموزش نیازمند است و به هرحال با ایجاد این واحدها، فرصتهای شغلی ایجاد شده توسط آنها نیز به نهایت خود می‌رسد. اما فرصتهای شغلی که توسط کارگاههای تولیدی و مؤسسات صنعتی ایجاد می‌شود، از محدودیت کمتری برخوردار است، زیرا هر زمان امکان آن وجود دارد که زمینه جدیدی جهت سرمایه‌گذاری بوجود آید و کارگاه یا مؤسسه صنعتی ایجاد شود.

تفاوت دیگر ایجاد اشتغال به وسیله واحدهای آموزشی و اداری با واحدهای صنعتی این است که ارزش افزوده ناشی از فعالیت واحدهای صنعتی می‌تواند، منجر به پس‌انداز و سرمایه‌گذاری مجدد و در نتیجه ایجاد فرصتهای شغلی جدید شود، اما تأثیر

می‌دهند. در مراتب بعد به ترتیب مؤسسات بهداشتی و درمانی با ۶۰ درصد، کارگاههای تولیدی با ۵۳/۵ درصد، مؤسسات صنعتی با ۵۰ درصد، کارگاههای صنایع دستی با ۴۶ درصد، مؤسسات مخابراتی و ارتباطی با ۴۴/۳ درصد و مؤسسات آموزشی و فرهنگی با ۳۹/۸ درصد قرار دارند. از آنچه گفته شد می‌توان نتایج زیر را استنباط نمود:

۱. جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله، حدود ۲۰ درصد نیروی کار روستا را تشکیل می‌دهند، اما همان طور که ذکر شد، بیش از ۵۰ درصد از شاغلین در مؤسسات و واحدهای اقتصادی روستا که در حقیقت، بخش متشکل اقتصاد روستا را تشکیل می‌دهند، جوان می‌باشند، بنابراین نتیجه می‌گیریم که جوانان روستایی آمادگی و علاقه بیشتری برای انجام فعالیتهای خدماتی، صنعتی، اداری و آموزشی نسبت به فعالیتهای کشاورزی دارند.

۲. کارگاههای صنایع دستی روستاهای مورد بررسی، توانسته‌اند فرصتهای شغلی قابل توجهی بوجود آورند. همانطور که ذکر شد، در هر یک از این روستاها به طور متوسط ۱۸/۷۵ کارگاه صنایع دستی وجود دارد، با توجه به جمعیت متوسط این روستاها که ۱۰۰۱ نفر می‌باشد، به ازاء هر ۵۳ نفر یک کارگاه صنایع دستی موجود است و از آن جایی که بُعد خانوار در این روستاها ۵/۶ می‌باشد، می‌توان نتیجه

جدول شماره ۱ - ویژگیهای مؤسسات آبدیهای مورد بررسی از لحاظ ایجاد اشتغال

ردیف	نوع مؤسسه	متوسط تعداد واحدها در روستا	تعداد کارکنان واحدها	تعداد کارکنان جوان	نسبت کارکنان جوان	متوسط تعداد کارکنان یک واحد
۱	بازرگانی و خدماتی	۹/۳	۱۶/۵	۱۰/۷۵	۶۵٪	۱/۸
۲	بهداشتی و درمانی	۱/۶۴	۳/۷۲	۲/۲۵	۶۰٪	۲/۲۶
۳	آموزشی و فرهنگی	۲/۵۳	۲۱/۳	۸/۴۷	۳۹/۸٪	۸/۴۱
۴	کارگاه تولیدی	۲/۶۴	۲۴/۱	۱۲/۹	۵۳/۵٪	۹/۱۲
۵	مؤسسه صنعتی	۰/۸۹	۹/۸	۴/۹	۵۰٪	۱۱
۶	سیاسی، اداری و انتظامی	۰/۷	۵/۶	۴/۲	۷۵٪	۸
۷	مخابراتی و ارتباطی	۰/۴۶	۱/۳۸	۰/۶۱	۴۴/۳٪	۳
۸	کارگاههای صنایع دستی	۱۸/۷۵	۳۳	۱۵/۲	۴۶٪	۱/۷۶
	جمع	۳۶/۹	۱۱۵/۴	۵۹/۳	۵۱/۴	۳/۱۲

کارگاه را از طریق مصاحبه با ۷۵ نفر از کارکنان مورد بررسی قرار داده است) نشان می‌دهد که ۳۷/۳ درصد از کارگران را افراد ۲۵ تا ۳۴ ساله و ۳۴/۷ درصد را جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله تشکیل می‌دهند. (ر.ک. جدول شماره ۲).

ذکر این نکته ضروری است که ۱۱ درصد از کارگران قبل از اشتغال در صنایع روستایی بیکار بوده‌اند و از این میان ۸۷/۵ درصد، در سنین ۱۵ تا ۲۴ سال قرار داشته‌اند، به عبارت دیگر ۲۷ درصد از جوانان روستایی قبل از ایجاد صنایع روستایی بیکار بوده‌اند. از سوی دیگر شغل قبلی ۷۹/۷ درصد کارگران، کارگری ساده بوده است. می‌دانیم که کارگری ساده شغلی ناپایدار است و با بیکاریهای دوره‌ای توام می‌باشد.

بنابراین ایجاد صنایع روستایی، در روستاهای مورد بررسی این تحقیق، موجب جابجایی نیروی کار از بخشهای فعال اقتصادی به این بخش نشده است (تنها ۱۰/۹ درصد از کارگران قبلاً کشاورز بوده‌اند و ۹/۴ درصد نیز شغل آزاد داشته‌اند که از این میان ۶۶ درصد کارگر فنی بوده‌اند). بلکه موجب اشتغال بیکاران و افزایش فعالیت کارگران ساده شده است. نکته مهم دیگر اینکه ۵۸ درصد از کارگرانی که شغل قبلی ایشان کارگری ساده بوده محل کارشان در شهر بوده است، بنابراین صنایع روستایی از طرفی موجب اشتغال بخشی از جوانان شده و از سوی دیگر مانعی در مقابل مهاجرت به شمار آمده است.

■ برخی از موانع توسعه صنایع روستایی

توسعه صنایع روستایی مانند هر اقدام دیگری که برای توسعه مناطق روستایی انجام می‌شود با مشکلاتی مواجه است که بررسی همه آنها در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. لذا در اینجا به بررسی دو مشکل مهم و مرتبط با یکدیگر اکتفا می‌کنیم.

جدول شماره ۲ - توزیع فراوانی کارکنان کارگاههای صنایع روستایی برحسب گروه سنی

گروه سنی	تعداد	درصد
۱۵-۲۴	۲۶	۳۴/۷
۲۵-۳۴	۲۸	۳۷/۳
۳۵-۴۴	۱۴	۱۸/۷
۴۵ سال و بالاتر	۷	۹/۳
جمع	۷۵	۱۰۰

● جوانان روستایی آمادگی و علاقه بیشتری برای انجام فعالیتهای خدماتی، صنعتی، اداری و آموزشی نسبت به فعالیتهای کشاورزی دارند.

● ۲۷ درصد از جوانان روستایی قبل از ایجاد صنایع روستایی بیکار بوده‌اند.

● هدف اصلی صنایع روستایی باید بهره‌برداری عقلانی از منابع محیطی باشد و ایجاد اشتغال، به عنوان محصول این فعالیت مورد نظر قرار گیرد

در حد مطلوبی قرار دارد و هم نیروی کار با ثبات و اطمینان زیادی به فعالیت شغلی خود ادامه می‌دهد. این است که کشورهای در حال توسعه در هدف اولیه خود تجدیدنظر کرده‌اند و استفاده بهینه از منابع محلی و بهره‌وری نیروی کار و سرمایه را، به عنوان اهداف اصلی توسعه صنایع روستایی تعیین کرده‌اند. به نظر می‌رسد، در کشور ما نیز پذیرش این نگرش چاره‌ساز و مؤثر باشد.

۲. کمبود سرمایه مهمترین مانع توسعه روستایی

ایجاد هر شغل جدید صنعتی به وجود اعتبار قابل ملاحظه‌ای نیازمند است که نه تنها افراد، بلکه تعاونیهای تولیدی نیز معمولاً فاقد توانایی مالی لازم برای تأمین آن هستند. به عنوان مثال براساس بررسیهای انجام شده در استان خوزستان در طول برنامه اول ۱۵۳ واحد صنعتی با سرمایه ۳۲ میلیارد ریال به بهره‌برداری رسیده و ۲۱۰۷ فرصت شغلی ایجاد کرده است^۱. به عبارت دیگر، برای ایجاد هر فرصت شغلی ۱۵۱/۱۸۷/۴۷۰ ریال یعنی در حدود ۱ میلیون تومان سرمایه گذاری شده است. مسلماً با افزایش تورم این هزینه افزایش می‌یابد و روستاییان قادر به تأمین این هزینه نخواهند بود.

یکی از موانع تشکیل سرمایه در مناطق روستایی این است که در آمد شاغلین فعالیتهای اقتصادی مناطق روستایی، بویژه در زیربخش زراعت، به گونه‌ای است که سالانه و در پایان فصل کشاورزی عاید کشاورز می‌شود. در حالی که کشاورز، عایدی بدست آمده از فروش محصولات را باید بتدریج و در طی یکسال به مصرف برساند، این

۱. اشتباه در تبیین هدف اصلی صنایع روستایی

گفته شده که ایجاد صنایع روستایی اهداف زیادی را تعقیب می‌کند، ایجاد اشتغال یکی از مهمترین این اهداف می‌باشد. حتی کشورهای در حال توسعه‌ای نظیر هند، چین، پاکستان و اندونزی در ابتدا اشتغال را، به عنوان هدف اصلی ایجاد صنایع روستایی قلمداد کرده بودند^۲. در کشور ما نیز کم یا بیش چنین نگرشی در مورد صنایع روستایی وجود داشت و تا حدودی هنوز هم این نگرش مورد پذیرش می‌باشد. غافل از اینکه تأکید بر این هدف و فراموش کردن سایر اهداف، در نهایت منجر به تضعیف صنایع روستایی می‌گردد. زیرا در مناطق روستایی عنصر سرمایه و سایر منابع غیرانسانی تولید کمیاب و در مقابل نیروی انسانی فراوان و در دسترس است. بنابراین هدف اصلی صنایع روستایی باید بهره‌برداری عقلانی از منابع محیطی باشد و ایجاد اشتغال، به عنوان محصول این فعالیت مورد نظر قرار گیرد، در غیر این صورت ممکن است صنایع روستایی مدتی با دریافت سوبسید یا کمکهای دولتی فعال باشند، اما به محض قطع این کمکها، فعالیت این صنایع مختل شده یا تعطیل گردد. چنانکه در کشور خودمان شاهد بودیم برخی از کارگاههای صنایع روستایی، نظیر "چنایی بافی" بعد از قطع کمکهای دولتی به شدت تضعیف شدند اما کارگاههایی نظیر: پنیرسازی که از سوی متکی بر منابع محلی بودند و از سوی دیگر تقاضای محلی برای محصولات آنها وجود داشت به شکوفایی خود ادامه دادند^۳. در این واحدها، هم بهره‌وری سرمایه

شيوه كسب درآمد در مناطق روستایی باعث می شود كه خانوار روستایی در مراحل اولیه دوره درآمدی، مقدار قابل توجهی از درآمد خود را بی رویه و غیرمتمتعاف به مصرف برساند و در پایان دوره درآمدی، با كمبود سرمایه روبرو باشد.

اگر درآمد سالانه به جای اینکه یکبار در طول سال به دست خانوار روستایی برسد؛ بطور ماهیانه و یا هفتگی و روزانه می رسد، در آن صورت، خانوار روستایی رفتار مصرفی متفاوتی از خود نشان می داد و از مصرف بی رویه پرهیز می کرد. به این ترتیب اگر در نحوه دریافت درآمد خانوار روستایی تحول ایجاد شود به این صورت كه کشاورز درآمدش را ماهیانه یا به هر حال در دوره ای کوتاهتر از یکسال دریافت كند انتظار می رود، مصرف بی رویه خانوار روستایی کاهش یابد و در نتیجه مقدار پس انداز با همان مقدار درآمد، افزایش یابد. از طرف دیگر می توان از انباشت پول، توسط خانوارهای روستایی جلوگیری به عمل آورد و سرمایه های جمع شده را در اجرای طرح های عمرانی مناطق روستایی به كار گرفت.

برای ایجاد تحول در چگونگی دریافت درآمد، می توان از نهادها و سازمان های اجرایی مرتبط با مسائل روستایی، مانند: جهادسازندگی، بانك کشاورزی، تعاونی های روستایی، شوراهای اسلامی و یا نهادهایی كه امکان تأسیس آن در روستاها وجود دارد- مانند بانك روستایی، تعاونی های اعتبار روستایی و غیره استفاده كرد. به این صورت كه هریك از نهادها و یا سازمانها، از طریق خرید محصولات تولید شده خانوارهای روستایی، با ارائه چك، درآمدهای بدست آمده را به طور ماهیانه و یا هفتگی به خانوارهای روستایی پرداخت كنند. در این صورت درآمد خانوارهای روستایی در نهاد مورد نظر جمع آوری شده و در صورت تمایل خانوار روستایی، درآمد آنها ماهیانه پرداخت می شود كه در نتیجه آن علاوه بر کاهش مصرف بی رویه خانوار روستایی، از انباشت پول نیز جلوگیری به عمل می آید و با تمرکز سرمایه ها در نهاد مورد نظر، تشكيل سرمایه در روستا برای افزایش تولید، ایجاد اشتغال و اجرای طرح های عمرانی امکان پذیر می شود.

تداوم این روند، باعث می شود كه مشكل كمبود سرمایه، بتدریج از بین برود و امکانات و منابع بالقوه مناطق روستایی به كار گرفته شود.

البته در این مسیر مشکلاتی مانند بی سوادى،



● با تأسیس هرکارگاه تولیدی، تعدادی از جویندگان کار به شغلی دائمی و مولد دست پیدا می کنند و در نتیجه تصمیم به ماندن در روستا می گیرند، از سوی دیگر افزایش مؤسسات تولیدی، موجب جذب مهاجر به روستا نیز می شود.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- مردوخ، بابزید، صنایع روستایی ایران، بررسی وضعیت شرایط توسعه، اقتصاد کشاورزی و توسعه - شماره ۳، پاییز ۱۳۷۲، ص ۳
- ۲- غراب، ناصرالدین، اثرات اقتصادی و اجتماعی صنایع کوچک روستایی (بر اساس تحقیق پیرامون موافقت اصولی های صادره از سوی جهادسازندگی خراسان) مرکز تحقیقات و مطالعات روستایی سازمان جهادسازندگی، استان خراسان، سال ۱۳۷۲، ص ۴۶
- ۳- مردوخ، همان مآخذ، ص ۳۱
- ۴- غراب، همان مآخذ، ص ۲۷-۲۶
- ۵- غراب، همان مآخذ، ص ۱۱۹-۱۱۶
- ۶- سازمان ملل متحد، بررسی وضعیت صنایع کوچک در آسیا و اقیانوسیه، ترجمه کمیته صنایع روستایی، دفتر مرکزی جهاد
- ۷- غراب، همان مآخذ
- ۸- روزنامه سلام، پنجشنبه ۱۴ مهر ۱۳۷۲، سال ۴- شماره ۷۲، ص ۴
- ۹- مهرگان، نادر، وضع درآمد روستاییان و تشکیل سرمایه در مناطق روستایی، ماهنامه سیاسی- اقتصادی اطلاعات، سال هشتم، شماره اول و دوم، مهر و آبان ۱۳۷۲، ص ۱۶-۱۵.

عدم اطمینان و نظایر آن وجود دارد كه پیش از اتخاذ چنین شیوه ای، لازم است برطرف شود، در غیراین صورت به نتیجه مطلوب نخواهد رسید، برای مثال: بی سوادى از جمله عواملی است كه ممكن است باعث شود، خانوارهای روستایی از قبول چك و یا اوراق بهادار خودداری ورزند، اما اگر چنین تغییری در نحوه كسب درآمد روستاییان بوجود آید و موانع فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مختلفی كه بر سر راه آن وجود دارد از میان برود، می توان امیدوار بود كه درآمدها به جای آنكه كاملاً در جهت مصرف به كار گرفته شوند تا اندازه ای به پس انداز و سرمایه گذاری اختصاص می یابد و اگر حوزه های سرمایه گذاری بدترستی تشخیص داده شود فرصتهای شغلی زیادی بوجود خواهد آمد. به ویژه اگر این سرمایه ها در شرکتهای تعاونی تولیدی كه با كمبود سرمایه مواجه هستند به كار گرفته شود، تحول مشتی در اشتغال جوانان روستایی بوجود خواهد آمد.